



## گزارش کتاب «استغاثه و جایگاه شرعی آن»

مصطفی مهاجر\*

کتاب «استغاثه و جایگاه شرعی آن» اثر «محمد طاهر القادری» نویسنده اهل سنت حنفی، ساکن پاکستان، با ترجمه سید عبدالحسین رئیس السادات به زبان فارسی در ۱۱۲ صفحه در سال ۱۳۹۰ ش از سوی انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر شده است. این کتاب مشتمل بر پنج باب است: باب اول: مطالب اولیه درباره استغاثه؛ باب دوم: مفهوم مددخواهی از پیامبر ﷺ؛ باب سوم: جایز بودن استغاثه به انبیا و صالحان پس از مرگ آنان؛ باب چهارم: پاسخ به اشکالات و شبهات مخالفان؛ باب پنجم: حُسن ظن داشتن به اسلام مسلمانان. در ادامه مطالب مهم هر یک از این ابواب ذکر خواهد شد.

### باب اول: مطالب اولیه پیرامون استغاثه<sup>۱</sup>

نگارنده در ابتدا به معنای لغوی استغاثه اشاره می‌کند و سپس، آیاتی که در آنها لفظ استغاثه آمده را ذکر کرده است.<sup>۲</sup> او می‌نویسد: بر اساس تصریحات اهل لغت عرب و مفسرین قرآن، معنای استغاثه کمک طلبیدن است<sup>۳</sup> و به دو صورت «استغاثه بالقول و استغاثه بالعمل» انجام می‌گیرد.<sup>۴</sup> مؤلف برای هر کدام از دو قسم مذکور، آیاتی از قرآن را

\* کارشناسی ارشد موسسه مذاهب اسلامی، پژوهشگر موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت ع.

۱. ص ۳۲-۱۱.

۲. ص ۱۶.

۳. ص ۱۷.

۴. ص ۱۸.

نیز، ذکر کرده است.<sup>۱</sup>

در ادامه، نویسنده ارتباط استغاثه و توسل را بیان می‌کند که در هر دو مورد، مطلوب یکی است و تفاوت آنها فقط در نسبت دادن فعل است.<sup>۲</sup>

همچنین نگارنده کتاب، به تفاوت اساسی استغاثه و دعا اشاره می‌کند و نسبت بین این دو را عموم خصوص مطلق ذکر می‌کند؛ زیرا دعا به مطلق صدا کردن یا خواستن گفته می‌شود؛ در حالی که استغاثه درخواست برطرف کردن مصیبت می‌باشد؛ از این رو، هر استغاثه‌ای دعاست؛ ولی هر دعایی استغاثه نیست.<sup>۳</sup>

مؤلف در ادامه، به کاربرد لفظ دعا و معانی آن در کلام خداوند اشاره کرده<sup>۴</sup> و هشت معنا (ندا، تسمیه، استغاثه، تشویق کردن به کاری یا هدفی، طلب، دعا، عبادت و خطاب)، را با ذکر آیات مرتبط با آنها بیان می‌کند.<sup>۵</sup>

نویسنده بر این باور است که حتی یک آیه از قرآن در نفی استغاثه وجود ندارد؛<sup>۶</sup> لذا برخی افراد برای شرک شمردن استغاثه، ابتدا لباسی بر مفهوم دعا پوشانده‌اند و سپس، به صورت خودساخته آن را به دو دسته (دعای عبادت و دعای سؤال) تقسیم کرده‌اند.<sup>۷</sup>

در حالی که به اعتقاد نگارنده کتاب، اولاً، تقسیم فوق، تقسیم بی‌فایده‌ای است؛ چراکه مفهوم هر دو قسم مذکور یکی است؛ چنانچه آمده است: دعای عبادت، جز برای خدا نارواست؛ دعای سؤال هم برای غیر خدا نارواست.<sup>۸</sup>

ثانیاً: نگارنده با توجه به معانی هشت‌گانه دعا بیان می‌کند که محدود کردن دعا به دو معنای فوق، صحیح نیست.<sup>۹</sup>

۱. ص ۲۰-۱۸.

۲. ص ۲۰.

۳. ص ۲۱.

۴. ص ۲۱.

۵. ص ۲۵-۲۱.

۶. ص ۲۵.

۷. ص ۲۵.

۸. ص ۲۷-۲۶.

۹. ص ۲۸.

ثالثاً: اگر هدف دعا فقط عبادت باشد و دعای سؤال هم در دعای عبادت گنجانده شود، تمام افراد جامعه حتی انبیا، در مرداب شرک فرو خواهند رفت؛ چراکه نص قرآنی شاهد بر این معناست که انبیا نیز، از غیر خداوند درخواست داشته‌اند، که مؤلف به تعدادی از آیات قرآن اشاره می‌کند.<sup>۱</sup>

## باب دوم: مفهوم مددخواهی از پیامبر ﷺ<sup>۲</sup>

نویسنده در ابتدا به اعتقاد صحیح اسلامی نسبت به استغاثه و مددخواهی از دیگران اشاره کرده است، و آن را به دو قسم تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:<sup>۳</sup>

۱. درخواست از دیگران با اعتقاد به مستقل بودن وی در سود یا زیان رساندن به دیگران؛ خواه آن کس که از او مدد خواسته می‌شود، تحت عالم اسباب، یا مافوق اسباب باشد. به یقین این قسم، قطعاً شرک است.

۲. درخواست از دیگران با اعتقاد به اینکه اجابت‌کننده حقیقی خداوند است؛ این قسم قطعاً شرک نیست؛ چه در امور دنیوی (مانند پزشک رفتن برای معالجه)، یا در امور روحانی باشد.

مؤلف در ادامه، دلایل جواز قسم دوم را از متون اسلامی ذکر کرده است، که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد.<sup>۴</sup>

الف: دستورات متون دینی نسبت به کمک کردن به یکدیگر؛ مانند آیه ۲ سوره مائده که خداوند تعاون را به‌طور مطلق بیان کرده است.<sup>۵</sup>

ب: استغاثه مرد اسرائیلی از حضرت موسی عليه السلام در برابر دشمن قبطی که در آیه ۱۵ سوره قصص ذکر شده است.<sup>۶</sup>

ج: روایات صحیحی وجود دارد که مردم از سختی روز قیامت به پیامبر

۱. ص ۲۸.

۲. ص ۴۸ - ۳۳.

۳. ص ۳۵.

۴. ص ۳۶.

۵. ص ۳۶.

۶. ص ۳۷.

اکرم عليه السلام استغاثه می‌کنند. نظیر روایتی که با لفظ استغاثه در کتاب صحیح بخاری ابن-چنین آمده است: «استغاثوا بآدم، ثم بموسی، ثم بمحمد صلی الله علیه و آله و سلم».<sup>۱</sup>

د: استغاثه صحابه به پیامبر عليه السلام و طلب یاری کردن از ایشان؛ در ادامه نویسنده به مصادیق آن اشاره کرده است که عبارت‌اند از:

- استغاثه ابوه‌ریره در صحیح بخاری؛<sup>۲</sup>
- استغاثه قتاده به نعمان در غزوه بدر که در کتب متعددی مانند مسند ابویعلی، طبقات ابن‌سعد، تاریخ ابن‌کثیر و دیگر کتب روایی، آمده است؛<sup>۳</sup>
- استغاثه صحابی دمل زده در کتاب مجمع الزوائد؛<sup>۴</sup>
- استغاثه صحابی ناپینا که در جامع ترمذی و مسند احمد بن حنبل نقل شده است؛<sup>۵</sup>
- استغاثه یک صحابی برای باران که در صحیح بخاری ذکر شده است؛<sup>۶</sup>
- و کاشف الکربات بودن حضرت حمزه سیدالشهدا عليه السلام برای پیامبر عليه السلام؛<sup>۷</sup> چنانکه آن حضرت در شهادت عمومی خویش حضرت حمزه عليه السلام او را مخاطب قرار داده و فرمودند: «یا حمزه یا کاشف الکربات یا ذاب عن وجه رسول الله عليه السلام»؛

نویسنده از استغاثه پیامبر عليه السلام به حضرت حمزه سیدالشهدا عليه السلام دو نکته را استفاده می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. عبارت «یا کاشف الکربات» نه تنها استغاثه از صالحین را جایز می‌شمارد، بلکه کمک‌رساندن کسی که از او استغاثه می‌شود را هم، جایز دانسته است.<sup>۸</sup>
۲. در اینجا مستغاث حقیقی صرفاً ذات خداوند است، و استغاثه‌ای که در ظاهر از حضرت حمزه عليه السلام می‌شود، استغاثه مجازی است؛ بنابراین از مستغاث قرار دادن حضرت

۱. ص ۳۹-۳۷.

۲. ص ۳۹.

۳. ص ۴۱.

۴. ص ۴۲.

۵. ص ۴۳.

۶. ص ۴۵.

۷. ص ۴۷.

۸. ص ۴۷.

حمزه رضی الله عنه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله روشن می‌شود که استغاثه مجازی، عین شرع است.<sup>۱</sup>

## باب سوم: جایز بودن استغاثه به انبیاء و صالحان پس از مرگ آنان<sup>۲</sup>

نویسنده در ابتدا به بیان این سؤال می‌پردازد که چگونه، انسانی که پس از مرگ توان کمک کردن به جسم خودش را ندارد، می‌توان از وی، طلب یاری کرد؟<sup>۳</sup>

مؤلف در مقام پاسخ به دو موضوع مهم اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

اولاً: انسان چه زنده باشد و چه از دنیا رفته باشد، هیچ‌گاه قادر مطلق نیست و صرفاً دارای اختیاراتی است که از سوی خداوند به او عنایت شده است.<sup>۴</sup>

لذا در حال حیات، اگر کسی پزشک را مستغاث حقیقی بداند و از او با این تفکر معالجه بخواهد، مرتکب شرک شده است؛ ولی مستغاث مجازی قرار دادن وی، مجاز است.

پس از مرگ نیز، اولیا و صالحین را مستغاث حقیقی دانستن شرک است؛ ولی مستغاث مجازی قرار دادن آنها جایز است.

نویسنده در ادامه تصریح می‌کند، درخواست شفاعت، استغاثه و توسل، اگر کفر و شرک باشد، در دنیا و یا برزخ و یا در آخرت کفر و شرک است و اگر شرک نباشد، در هیچ-کجا شرک نیست؛ چراکه معیار احکام اسلامی هر جا که باشد یکسان است.<sup>۵</sup>

ثانیاً: اینکه اهل قبور توانایی کمک کردن را ندارند، به باور مؤلف، سخن بی‌جایی است؛ چراکه قرآن در آیات مختلف از حیات برزخی یاد کرده است.<sup>۶</sup>

از این رو، نویسنده در ادامه، مسئله اثبات حیات برزخی پس از مرگ را تبیین کرده است، و آن را با دلایل قرآنی و روایی به صورت تفصیل اثبات کرده است.<sup>۷</sup>

۱. ص ۴۸.

۲. ص ۴۹-۶۱.

۳. ص ۵۱.

۴. ص ۵۱.

۵. ص ۵۲.

۶. ص ۵۲.

۷. ص ۵۳.

مؤلف از آیات قرآن، به آیه ۲۸ و ۱۵۴ سوره بقره و آیه ۱۶۹ سوره آل عمران اشاره می‌کند. وی از میان روایات به چند روایت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌کند؛ برای نمونه، روایتی است که آن حضرت پس از قتل مشرکان در غزوه بدر، نام‌های مشرکان را ذکر کرده و با آنها سخن گفته است.<sup>۱</sup>

در ذیل روایت مذکور، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب اعتراض خلیفه دوم، فرمودند: قسم به آن کسی که جان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قبضه قدرت اوست، شما شنواتر از آنها در آنچه گفتم نیستید؛ همچنین، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مسلمانان آموختند که اهل قبور را با حرف ندای «یا» مخاطب قرار داده و به آنها این‌گونه سلام کنند؛ «السلام علیکم یا اهل القبور».<sup>۲</sup>

نویسنده پس از اثبات حیات برزخی کفار و مشرکان، عموم مؤمنین، و شهدا و صالحین می‌نویسد: چگونه ممکن است، حیات انبیاء و اشرف آنها (پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را انکار نمود؟ وی در ادامه به روایات اثبات حیات برزخی آنان، مانند روایت عرضه اعمال بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌کند.<sup>۳</sup>

### باب چهارم: پاسخ به اشکالات و شبهات مخالفان<sup>۴</sup>

از آن جایی که برخی با موارد و مصادیقی از استغاثه به انبیاء و صالحان مخالفت کرده و آنها را شرک می‌پندارند، لذا نویسنده این فصل را به شبهات مطرح شده در این مسئله اختصاص داده است. در ادامه مهم‌ترین اشکالها و شبهات مطرح شده از سوی مخالفان مطرح شده و پاسخ داده می‌شود.

#### اشکال اول: استغاثه فی نفسہ عبادت است؟<sup>۵</sup>

مؤلف بیان می‌کند، برخی بر این باورند که استغاثه عبادت است و چون عبادت غیر از خدا شرک است، بنابراین استغاثه به غیر خدا شرک است. آنها به آیاتی استدلال کرده‌اند که لفظ

۱. ص ۵۶-۵۴.

۲. ص ۵۶.

۳. ص ۵۸-۵۷.

۴. ص ۱۰۶-۶۳.

۵. ص ۶۵.

دعا به معنای عبادت استفاده شده است؛ از این رو، استغاثه به دیگری را شرک بیان کرده‌اند.<sup>۱</sup> نویسنده در پاسخ، مخاطب آیات مورد استدلال را کفار و مشرکان می‌داند و نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان غیر جایز بودن استغاثه را از آنها استنباط نمود؛ همچنین مؤلف بیان می‌کند در برخی آیات قرآن، لفظ دعا به معنای عبادت به کار برده نشده است؛ وگرنه امکان اتهام شرک نسبت به انبیا و حتی خداوند نیز وجود داشت.<sup>۲</sup>

### اشکال دوم: هرگونه استغاثه در امور مافوق‌الاسباب، شرک است.

نویسنده با توجه به تقسیم استغاثه از سوی مخالفان به امور عادی و امور غیر عادی می‌نویسد: مخالفان، استغاثه در امور عادی یا مادی را جایز دانسته‌اند؛ اما امور غیر عادی یا امور مافوق اسباب و خارج از حیطه علل و اسباب را حرام و شرک دانسته‌اند.<sup>۳</sup> مؤلف تقسیم فوق را در ابتدا تقسیمی خودساخته و نتیجه استنباط و استخراج شخصی دانسته است؛<sup>۴</sup> در ادامه نیز، با توجه به آیه «ایاک نستعین»، تقسیم‌بندی فوق را نتیجه کم‌دانشی و نادانی بیان می‌کند؛ چراکه در این آیه، طلب کمک، به طور مطلق (اعم از امور عادی و غیر عادی) از خداوند آمده است؛ همچنین نگارنده کتاب معتقد است که تقسیم امور به عادی و غیر عادی، تقسیمی غیر ضروری است که مجوزی برای آن در شریعت وجود ندارد.<sup>۵</sup>

مؤلف در ادامه، تقسیم جایگزینی به جای تقسیم فوق ارائه داده و می‌گوید: در «ایاک نستعین»، به جای اصرار بر تقسیم امور به عادی و غیر عادی، استغاثه را به حقیقی و مجازی تقسیم کنیم؛ سپس به تبیین ضرورت این تقسیم‌بندی پرداخته است.<sup>۶</sup>

۱. ص ۶۶-۶۵.

۲. ص ۶۹-۶۷.

۳. ص ۶۹.

۴. ص ۷۰.

۵. ص ۷۱.

۶. ص ۷۳.

## اشکال سوم: تقسیم استغاثه به حقیقت و مجاز نادرست و بدعت است.<sup>۱</sup>

نگارنده کتاب، تقسیم استغاثه به حقیقت و مجاز را مسئله‌ای لازم و ضروری، هم برای موافقان و هم مخالفان استغاثه دانسته است. وی برای تبیین موضوع فوق، با ذکر نکته‌ای به بیان طرح سؤال از مخالفان پرداخته است.

نکته این است که منکرین استغاثه، در امور عادی، استغاثه را جایز می‌دانند؛ ولی با تقسیم کردن استغاثه به حقیقی و مجازی مخالف هستند؛ اکنون سؤال از منکرین استغاثه این است که در امور عادی، مستغاث حقیقی چه کسی است؟ به‌عنوان نمونه، در مراجعه بیمار به پزشک، یاری‌کننده حقیقی کیست؟

اگر بگویند خداوند نیست، این یقیناً شرک است و عیناً همانند شرک کفار و مشرکان مکه می‌باشد.

اگر بگویند خداوند است، بنابراین درخواست کمک کردن از غیر خدا چگونه درست است؟ مگر اینکه بگویند از غیر خدا کمک خواستن در امور عادی، به‌عنوان مستغاث مجازی جایز است!

پس همان‌گونه که در امور عادی، ملتزم به تقسیم کردن استغاثه به حقیقت و مجاز هستید، در امور غیر عادی نیز، این تقسیم جریان دارد.

بنابراین در امور غیر عادی با وجود مجاز بودن، چگونه درخواست کمک از غیر خداوند را حرام و شرک می‌پندارید؟!<sup>۲</sup>

نگارنده کتاب برای تبیین شرعی بودن تقسیم مذکور، به آیات متعددی از قرآن که ناظر به استغاثه می‌باشد، اشاره کرده است؛<sup>۳</sup> از جمله آنها، آیه ۴۹ سوره آل عمران است که از لسان حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید: به اذن خدا، نایب‌ای مادرزاد و بیسی را بهبود می‌بخشم؛ مردگان را زنده می‌گردانم؛ شما را از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره

۱. ص ۷۳.

۲. ص ۷۵-۷۳.

۳. ص ۸۲-۷۶.



می‌کنید، خبر می‌دهم.<sup>۱</sup>

از آن جایی که ممکن است مخالفان استغاثه، عمل حضرت عیسیٰ (علیه السلام) را به دلیل معجزه بودن نپذیرند، نویسنده به پاسخ اجمالی و تفصیلی در این زمینه می‌پردازد و معتقد است که معجزه، شفا دادن بیماران است؛ نه نسبت دادن شفا به خویشتن.<sup>۲</sup>

### اشکال چهارم: غیر از خدای تعالی، هیچ یاری کننده‌ای نیست.<sup>۳</sup>

مؤلف، دلیل دیگری از مخالفان استغاثه را ذکر می‌کند و آن اینکه آنها با توجه به آیات متعددی از قرآن که ولایت و نصرت غیر خداوند را نفی کرده است، نتیجه می‌گیرند که استغاثه به غیر نیز، نفی شده است؛ چراکه در آیات قرآن، برای خداوند تنها صفاتی مانند «ولی» و غیره آمده است؛ پس نمی‌توان دیگران را در این صفات با خداوند شریک کرد.<sup>۴</sup> نویسنده در مقام پاسخ به آیاتی اشاره می‌کند که صفات فوق، برای بندگان نیز ذکر شده است؛ مانند آیه ۷۱ سوره توبه که می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾؛ مردان و زنان باایمان، بر یکدیگر ولایت دارند.

در آیه ۴ سوره تحریم نیز آمده: ﴿وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾؛ اگر بر ضد او دست‌به‌دست هم دهید، کاری از پیش نخواهید برد؛ زیرا خداوند یاور اوست و همچنین، جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان، پشتیبان او هستند.

مؤلف با توجه به آیات مذکور و دیگر آیات، نتیجه می‌گیرد، استفاده از صفات خداوند برای دیگران، مجازاً جایز است و اشکال فوق صحیح نیست.<sup>۵</sup>

۱. ص ۷۸-۷۷.

۲. ص ۸۱-۷۹.

۳. ص ۹۳.

۴. ص ۹۴-۹۳.

۵. ص ۹۵-۹۴.

### اشکال پنجم: تنها استغاثه از خدای متعال جایز است.<sup>۱</sup>

مخالفتان استغاثه با تمسک به روایتی از عبدالله بن عباس نتیجه گرفته‌اند که سؤال و استغاثه، تنها از خدای تعالی جایز است و از غیر خداوند شرک است.<sup>۲</sup>

مؤلف، این شبهه را نتیجه عدم آشنایی با قرآن و حدیث و عدم آگاهی از منشأ نزول قرآن و مطالعه سطحی آموزش‌های اسلامی دانسته است. وی در پاسخ روایت مذکور بیان می‌کند که این حدیث می‌خواهد توجه بنده را از اسباب و علل، به سوی مسبب بکشاند تا مسلمانان، مستعان حقیقی را فراموش نکنند. وی می‌نویسد: در کجای این حدیث برای روا شدن حاجت، وسیله قرار دادن شخصی در بارگاه الهی، نفی شده است؟ نگارنده در ادامه به دلایل متعدد قرآنی و روایی نسبت به جواز استغاثه اشاره می‌کند و از آن، شرک و بدعت نبودن استغاثه را نتیجه می‌گیرد.<sup>۳</sup>

### اشکال ششم: پیامبر ﷺ از استغاثه نهی کرده‌اند.<sup>۴</sup>

مخالفتان استغاثه به روایتی نبوی ﷺ، مبنی بر نهی از استغاثه به پیامبر ﷺ تمسک کرده‌اند.<sup>۵</sup>

مؤلف در پاسخ بیان می‌کند، اگر از مفهوم درست این حدیث درگذریم، آیات و احادیث و عمل بی‌شمار صحابه که خلاف مفهوم ذکر شده عمل کرده‌اند را چه کنیم؟ وی در ادامه به مفهوم صحیح حدیث شریف اشاره کرده و آن را تأویل می‌برد؛ چراکه با آیات قرآن و احادیث دیگر همخوانی ندارد و با آنها در تعارض است.<sup>۶</sup>

نگارنده کتاب به نمونه‌ای از عمل صحابه در استغاثه به پیامبر ﷺ اشاره می‌کند و در پایان می‌نویسد: نمی‌توان تنها یک حدیث مورد اختلاف را مبنای عمل قرار دهیم و از دیگر ادله‌ای که بر جواز استغاثه وجود دارد، چشم‌پوشی کرده و همه امت مسلمان را متهم

۱. ص ۹۵.

۲. ص ۹۶-۹۵.

۳. ص ۱۰۳-۹۶.

۴. ص ۱۰۳.

۵. ص ۱۰۳.

۶. ص ۱۰۴.

به کفر و شرک کنیم.<sup>۱</sup>

## باب پنجم: حُسن ظن داشتن به اسلام مسلمانان<sup>۲</sup>

نویسنده در این فصل به بررسی سخنان و یا اشعاری پرداخته است که عموم مسلمانان، به هنگام تعظیم و تکریم اولیاء الهی بر زبان جاری می‌کنند. به باور نویسنده، از سخنان و اشعار فوق به‌طور متعارف معنای مجازی استنباط می‌شود؛ چراکه اگر بر معنای حقیقی - شان حمل شود، به کفر و شرک منتهی می‌شود.<sup>۳</sup>

نگارنده کتاب در ادامه توصیه می‌کند که اگرچه به هنگام توسل و استغاثه، نباید از کلمات و الفاظ دو پهلو استفاده کرد تا وهم و گمان شرک پیدا نشود؛ ولیکن در صورت استفاده کردن مسلمانان، نباید آنها را به کفر و شرک متهم کرد؛ چراکه حسن ظن داشتن به توحید دیگر مسلمانان، امری ضروری است که از متون دینی استفاده می‌شود.<sup>۴</sup>

در پایان، مؤلف بیان می‌کند که برخی معنای مجازی را محل اشکال می‌دانند و بعضی در استفاده از مجاز زیاده‌روی می‌کنند. نویسنده میانه‌روی را در هر حال، برای امت اسلام امری ضروری می‌داند تا بار دیگر بتوان از امت اسلامی بیکری واحد ساخت؛ به این ترتیب، وظیفه پاسداری از دین حق و نگرهبانی از جایگاه تعبیر و توجیه حقیقی توحید را به انجام رسانده‌ایم.<sup>۵</sup>

۱. ص ۱۰۶-۱۰۴.

۲. ص ۱۱۲-۱۰۷.

۳. ص ۱۱۰-۱۰۹.

۴. ص ۱۱۲-۱۱۰.

۵. ص ۱۱۲.